

نامداران فرهنگ ارمنی

سده‌های ۵-۱۸

دفتر نخست

گروه نویسندگان مرکز پژوهش‌های ارمنی‌شناسی دانشگاه ایروان

ترجمه ۱. کرمانیک

ՀԱՅ ՄՇԱԿՈՅԹԻ ՆՇԱՆԱԻՈՐ ԳՈՐԾԻՉՆԵՐԸ

5-18 դարեր

չափով I

ԹԱՐԳՄ. Է. ԳԵՐՄԱՆԻԿ

ՆԵՑՇԱՐՈՒՐ ՀԱՍՏԱՏՈՒԹԻՒՆ

ՀԱՅԿԱԿԱՆ ՑԵՏԱԶՈՏՈՒԹԻՒՆՆԵՐԻ ԲԱԺԻՆ

ԹԵԶՐԱՆ 1982

۶



بخش پژوهش‌های ارمنی

۱

نامداران فرهنگ ارمنی

سده‌های ۵ - ۱۸

دفتر نخست

گروه نویسندگان مرکز پژوهش‌های ارمنی شناسی دانشگاه ایروان

ترجمه ۱. گرمانیک

فهرست

- سخن آغاز
- پیشگفتار ترجمان
- پیشگفتار ویراستاران متن ارمنی
- مسروپ ماشتوتس (نوشته ادوارد آقاپیان
- کوریون (نوشته آ. در استپانیان)
- آگاتانگوس (نوشته آ. درغونديان)

- نامداران فرهنگ ارمنی
- گروه نویسندگان دانشگاه ایروان
- ترجمان: ۱. گرمانیک
- ناشر: بنیاد نیشابور، بخش پژوهشهای ارمنی
- تعداد نسخه ۳۰۰۰ جلد
- چاپ نخست آذرماه ۱۳۶۱
- شماره صفحات ۴۹
- رقعی
- شماره ثبت در کتابخانه ملی $\frac{۲۱۳}{۶۱/۹/۱۴}$
- چاپ‌ندا - تهران

در کوشش همه‌جانبه ایرانیان برای بازگرداندن شیوه نخستین حکومت، شرکت کرد و کارنامه داریوش چنین نشان می‌دهد که ارمنستان پنج بار بردستگاه حکومت مرکزی خودکامه هخامنشی شورید و بیشترین پایمردی را در برابر تیره پارسی از خود نشان داد، تا آنکه چنان شد که دیدیم... از بین رفتن حکومت قدراتیو و هموار شدن راه اسکندر به ایران!

با برخاستن اشکانیان از خراسان و بازتابیدن خورشید آزادی، و شیوه حکومت تیره‌ها، ارمنستان دیگر بار بر سر پیوند و مهر خویش بازگشت و با آئین مهر و اناهیتا و سلسله پادشاهی اشکانی به نوع زندگی و حکومت دلخواه خویش بازگشت، میرادات (مهرداد) و آرشاک (ارشک، اشک) و پاپ... دشت‌های ارمنستان را که در آن هنگام از دریای مازندران تا سرچشمه‌های رود فرات گسترده بود چونانکه **هاینگ** پدرا ارمنستان و **تیمگران** بزرگ آرزو داشتند بهرامش و پدرا می و بهزیستی دوباره رساندند و از آنجا که در شیوه پادشاهی **تیره‌ها** آزادی دین نیز یکی از اصول بشمار میرفت، ارمنستان در پایان دوره اشکانی کم کم و بنابه خواست خود، از نیایش مهر و نسا هیدبه کیش عیسوی کشیده شد.

پدید آوردن (اختراع) خط اوستائی برای نشان دادن واژه‌ها و آواهای آن زبان که در زبان اشکانیان کهنه بود، به ارمنستان نشان داد، که می‌توان به خطی دست‌یافت که با آن، واژه‌های ویژه‌ارمنی را بتوان نوشت، و کوشش‌های **مسروپ ماشتوتس** این آرزوی بزرگ را بانجام رسانید. اکنون تیره آزاده‌ای که دین ویژه و خط ویژه دارد، با کوته‌نظری و پستی حکومتی مرکزی در ایران روبرو میشود که شیوه دلخواه پیشین را نیز دوباره در نوردیده‌اند و پادشاهی مرکزی خودکامه پدید آورده‌اند...

۱- از کارنامه اردشیر بابکان چنین برمی‌آید که در دوران اشکانیان، کرمانیان به گونه‌ای از بت‌پرستی گرائیده بوده‌اند... میراثی یا نیایش مهرخیز از دین‌های رایج آن زمان بود. و نشانه‌های نیایش اناهیتا (ایزدآب) و مهر در ارمنستان هم خودگواه بر این است که در دوره‌ای که بفرمان پادشاهان مرکزی ایران نامه اوستاگردآوری می‌شود، هر تیره و گروه در هر مرز ایران در گزینش کیش دلخواه خویش آزاد بوده‌اند.

سخن آغاز

بنیادنیشابور بسیار سرفراز است که با انتشار این دفتر سفر روپائی کاروانیان احساس و اندیشه را به دامنه‌های کوه‌آزاد و دشتهای گسترده شیراک و آزادات آغاز می‌نماید.

سفر دلپذیری که در آن از مرز وجدائی و دوری خبری نیست و هر چه هست یگانگی و پیوند است و مهر... سفری به ژرفای دریای زمان، با ارمنان در و مروارید و مرجان! جست و جویی پیوسته چون شتاب خون در رگهای تنیده جان که در هر تپش از قلب دور می‌شود تا جان و نیرو و کشش و کوشش به دورترین سلول‌های گیتی برساند و در هر حرکت موج مانده، با این موج گسترده که در سرتاسر وجود و هستی با اومی‌زند و با اومی‌تپد و با اومی‌ایستد، پیوسته است و از همه کوشش‌ها و ایستائی‌ها آگاه است و هیچگاه پیوندش با قلب گسسته نمی‌شود، و همیشه پژوهش‌هایش او را به دل بازمی‌گرداند، تا باز در جریانی نو، به جان بخشی و نیروسانی و سفر به دور دست‌های جان جهان شرکت جوید.

هائیاستان که بزبان فارسی دری ارمنستان خوانده می‌شود از آغاز، پیوندی آشکار با ایران داشته است. پیوندی همه‌جانبه که در اساطیر، افسانه‌های کودکان، تاریخ، زبان، ضرب‌المثل‌ها و شیوه‌های زندگی... نمایان است، و با این پیوند همواره در سختی‌ها دوش بدوش دیگر تیره‌ها از ایسران حمایت کرده است و آنگاه که شیوه حکومت چند هزار ساله پادشاهی **تیره‌ها** (که امروز قدراتیو خوانده می‌شود) بردست پاریسان هخامنشی شکسته شد...

بازهم فشارهای يك تیره پارسی دیگر آغاز شد و آزارهایی که آنان به عیسویان نسطوری برای درهم کوفتن آئینشان رومی داشتند، و آزارهایی که در همه گوشه‌های ایران به آزادی خسواهان و پیروان کیش‌های دیگر وارد میشد، و سیاست پیگیر دشمن چند سدساله ایران، روم در دامن زدن به آتش کینه ارمنیان و پارسیان، آرام آرام بین ایران و ارمنستان مرزپدید آورد... و روز بروز برجدائی و دوری مردمانی که همگان بازبانی یکسان و اندیشه‌ای همسان و افسانه‌های هنباز زندگی خویش را در کرانه‌های دور آغاز زندگی انسان، شروع کرده بودند، به دو کشور جدا از یکدیگر، و گاهگاه دشمن یکدیگر مبدل شدند!

با این حال و با آتش‌های نفاقی که هر زمان از سوئی دمیده میشود، در میان آگاهان این دو تیره هیچگاه جدائی نیفتاده است. چنین پیدا است که زمان تیره‌دلی‌ها و سست اندیشی‌ها و مرزهای گسلاننده اندیشه‌ها پایان میرسد و بنیاد نیشابور با انتشار پژوهش‌های زبان و فرهنگ ارمنی به پیشباز روشنی‌های سپیده‌دم آشنائی می‌شتابد، و با انتشار هر دفتر، پرده‌ای را به کنار می‌زند. و این نخستین دفتر از کتاب بزرگ نامداران فرهنگ ارمنی است که بکوشش پژوهشگر جوان و سخت‌کار ارمنی ا. گرمانیك پیشکش دوستداران فرهنگ ارمنی میشود و امید است که بقیه بخش‌های آن

۲- در بند ۵ از یکی از سنگ‌نوشته‌های خشایارشا که به شماره Xph مشخص شده است چنین آمده است که: «و در میان این کشور جایی بود که پیش‌تر دیوان پرستش می‌شدند. پس از آن بخواست اهورامزدا، من آن معبد دیوان را خراب کردم و آگهی کردم: «دیوان پرستش کرده نخواهند شد» چنانکه پیش‌تر دیوان پرستش کرده می‌شد. در آنجا من، اهورامزدا و «ارت» (فرشته توانگری و نگهبان خانواده) را با فروتنی نیایش کردم».

۳- امروز ارمنیان همه ایرانیان را پارسی می‌نامند، و چون دین اسلام را نیز نخستین بار از سوی پارسیان دیدند و شناختند همه مسلمانان نیز در گفتار مردمان پارسی خوانده می‌شوند بطوریکه در پاریس نیز اگر به عرب یا قبطی (مصری) مسلمان برخوردند او را پارسی می‌دانند، گله‌ای هم که آنان از هخامنشیان و ساسانیان دارند همواره زیر پوشش نام پارسی می‌آید! چونان آذربایجانیان، که گله از فارسیان دارند نه از ایرانیان.

نیز به ترتیب چاپ شود و ددسترس قرار گیرد تا در پایان کتاب جامعی از تاریخ کوشش‌های فرهنگ ارمنی بدست آید. بنیاد نیشابور کتابهای دیگری در زمینه فرهنگ ارمن در دست دارد که «ارمنی بیاموزیم» و «فرهنگ همانندی واژه‌های ارمنی و واستانی و فارسی» از آن جمله است.

با انشار این دفتر دست خواننده را می‌فشاریم و راه کاروانیان پژوهش و اندیشه را بسوی هایاستان آغاز می‌کنیم. با امید آنکه هر روز در این راه هم‌راه تازه‌ای بما بیوندند.

بنیاد نیشابور

فریدون جنیدی

آسمان روز از آبانماه ۱۳۶۱

واهاگن روز از ماه آرتک سال ۴۴۷۵ ارمنی

پیشگفتار مترجم

کتابی که اکنون پیش روی خوانندگان گرامی قرار دارد بخش نخست از کتاب «نامداران فرهنگ ارمنی» است که شامل شرح حال و آثار ۵۷ تن از فعالان و پیشتازان فرهنگ ارمنی از مسروپ ماشتوتس بنیانگذار کتابت ارمنی تا سایات نووا (سده‌های پنجم تا هجدهم) می‌گردد. با انتشار این کتاب بخش‌های بعدی نیز بترتیب و بتدریج چاپ و منتشر خواهد شد. هر یک از گفتارهای این کتاب توسط یک نویسنده نگارش یافته و متن فارسی ترجمه دقیق آنهاست، خوانندگان و بویژه پژوهشگران ایرانی با خواندن این کتاب آگاهی سودمندی درباره فرهنگ و ادب و منابع تاریخی و فرهنگی ارمنی کسب خواهند کرد و بدین‌سان راه برای ترجمه منابع غنی تاریخی ارمنی که برای تاریخ ایران و اقوام دیگر بسیار نافع است، هموار خواهد شد. در دفترهای بعدی کوشش خواهد شد شرح حال افراد بیشتری گنجانده شود بطوریکه در زمانی کوتاه متن کامل کتاب در دسترس خوانندگان قرار گیرد. با این امید که این کتاب باعث خوشنودی خوانندگان گردد.

۱. گرماتیک آبانماه ۱۳۶۱

مقدمه ویراستاران متن ارمنی

در کتاب حاضر چهره نمایندگان سرشناس فرهنگ ارمنی در سده‌های ۵-۱۸ بطور خلاصه و در گفتارهای جداگانه مورد شناسایی قرار می‌گیرد. نمایندگان مشهور رشته‌های مترقی فرهنگ ارمنستان در سده‌های میانه منجمله تاریخ‌نویسی، ادبیات هنری، مینیاتور، معماری، فلسفه و نیز علوم طبیعی هر یک بیانگر طبقه مختلفی می‌باشد. برحسب تعلق طبقاتی ایشان شخصیت‌های مذکور را می‌توان به سه گروه منقسم نمود؛ مثلاً اگر موسی خورنی، یغیشه، نرسس شنورهالی، استپانوس اربلیان نمایندگان پیشگام طبقه فئودال بودند، فریک و سایات نووا بیانگر احوال زحمتکشان و سپس شاهامیر شاهامیریان، هوسپ امین نخستین ایدئولوژیست بورژوازی در حال شکل‌گیری سده هجدهم گردیده همه آنها نقشی عظیم در تاریخ سیاسی و فرهنگی خلق ارمن ایفاء کرده‌اند.

برخی چهره‌های درخشان (کومیتاس آغزی^۱)، نرسس سازنده، واناکان وارتاپت و دیگران که آثارشان به ما نرسیده یا اطلاعات موجود در مورد آنان بسیار ناچیز و جسته‌گریخته است در این مجموعه

گنجانده نشده‌اند .

مقاله‌های موجود در مجموعه که توسط پژوهشگران برجسته و اهل فن به رشته تحریر درآمده ، به گونه‌ای قابل درك نگارش یافته است و در این نگارش محافل وسیع خوانندگان و مشتاقان تاریخ فرهنگ ارمنی همواره مدنظر بوده است.

متن کتاب حاضر را ام . پیوازیان دانشیار و مدیر مرکز تحقیقات ارمنی شناسی و آ. مادویان نامزد زبان و ادبیات و محقق ارشد ، برای چاپ آماده کردند.

برخی قسمت‌های مقاله‌ها که مربوط به هنر موسیقی بودن. تاهمیزیان نامزد هنرنوشته شده است .

مسروپ ماشتوتس^۲

مسروپ ماشتوتس پدید آورنده حروف و بنیانگذار کتابت ارمنی، اولین مترجم، اولین معلم و بنیانگذار مدرسه ارمنی زبان در هاتسکاتس از روستاهای ولایت تارون ارمنستان تاریخی در یک خانواده روستایی نیمه آزاد چشم به جهان گشود .

سال تولد ماشتوتس را ۳۶۲ می‌دانند. وی در ۱۷ فوریه ۴۴۰ چشم از جهان فرو بست. در مورد والدین ماشتوتس همینقدر می‌دانیم که نام پدرش وارتان بود. مطابق نوشته‌های کوریون شاگرد ماشتوتس و نویسنده شرح حال وی و نیز سایر مورخان ما (پاربی ، خورنی و دیگران) ، مسروپ در مقایسه با اوضاع آن زمان تحصیلات کامل خود را در زادگاهش تارون به پایان رسانده آنگاه به وانغاز شاپاد پایتخت رفته است و در دربار خسرو سوم نخست بعنوان کاتب مشغول بکار میشود و سپس به لباس نظامی درمی‌آید. اوزبانهای یونانی، آشوری و پارسی را نیک می‌دانست و در دربار ارمنستان امور مکاتبات را بعهده داشت. اینکه ماشتوتس چند سال به شغل درباری پرداخته بر ما روشن نیست ولی این را می‌دانیم که وی در دربار از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار

بوده، و کوریون نیز می نویسد: «او با فن نظامیگری خود در نزد نظامیان محبوب گردیده بود».

مسروپ به رغم پیشرفتهایی که در این مقام داشت نظامیگری را رها کرده به جمع روحانیون می پیوندد و به زهد و پرهیزگاری می پردازد و در گوشه نشینی و دور از افراد در غارها زندگی می کند. در عین زندگی در انزوا با افرادی چند همراه میگردد و ایشان با کمال میل پیرو یا شاگرد وی میشوند. سپس او با همراهی شاگردانش به دیار گوغتن عزیمت میکند که آئین و سنن بت پرستی همچنان در آنجا نگاهداری میشد. شایسته حاکم محل از وی استقبال کرده او را با گرمی قبول نموده هر گونه امکاناتی را برای توسعه فعالیت تبلیغ و وعظ در اختیار وی میگذارد.

بنابه گواهی کوریون، او ساکنان ولایت را به آئین مسیح در می آورد.

لیکن این موفقیت مسروپ را ارضاء نمیکند. او در فکر سرنوشت تمامی خلق ارمن بود. مسأله این است که اوضاع ارمنیان در زمان مسروپ بسیار وخیم و آبدستن حوادث بسیار جدی بود. خلق ارمن با تقسیم شدن بین دو بخش حکومتی روم و ایران، نه تنها يك پارچگی و استقلال خود را از دست داده بود بلکه تحت نفوذ دو سیاست و فرهنگ متفاوت قرار گرفته بود. بخش تحت اشغال رومی تبدیل به ولایت بیزانسی شده توسط «والی» یا «ژنرال» منتصب از سوی قیصر اداره میشد. بخش شرقی که تابع ایران بود اگرچه به ظاهر پادشاهی خود را هنوز حفظ کرده بود ولی از رأی حکومت شاهنشاه ایران تبعیت مینمود. تجزیه کشور از يك سو و نبودن حروف و کتابت ملی

از دیگر سو، سرنوشت اسفنا کتر آتی خلق ارمن را تهدید میکرد. زبانهای یونانی و آشوری بعنوان زبان حکومتی (رسمی-م.م) و علمی و دینی در کشور حاکم بودند. این امر خلق ارمن را از فراگیری آداب و احکام مسیحیت بزبان مادری محروم میساخت و این عجیب نیست که یکصد سال پس از قبول مسیحیت بعنوان مذهب رسمی در ارمنستان بخش قابل توجهی از مردمان هنوز به آن غریب و نا آشنا بودند. مردم باید برای يك پارچگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و استقلال و حتی موجودیت فیزیکی خود مبارزه میکردند. خطر استحاله در هر دو بخش ارمنستان وجود داشت، و اگرچه در بخش شرقی، حکومت ایران وجود مذهب مسیحیت را تحمل میکرد ولی چنانکه تاریخ نشان داد این تحمل و بردباری مدت مدیدی نمیتوانست ادامه یابد، پادشاهان^۳ ایران سعی داشتند مذهب مسیح را از بین برده ارمنه را مجبور به قبول آئین زرتشت کنند، که همین امر منجر به نبرد و ارتقان گردید زیرا این تغییر قهرآمیز مذهب در واقع در حکم مستحیل شدن ارمنه محسوب میشد. نگرانی مسروپ در این شرایط تعجب آور نبود. او با تجربه فعالیت تبلیغ در ولایتی از بخش شرقی یعنی گوغتن به این امر معتقد شد که در شرایط موجود، توده های مردم نمیتوانند آئین مسیح را آنچنان که شایسته بود درك کنند زیرا چنانکه گفتیم سخنرانی های مذهبی بزبان یونانی یا آشوری بیان میشد و لذا برای شنوندگان قابل درك نبود. و چون در آن شرایط گسترش و استحکام مسیحیت در بین خلق ارمن يك مسأله صرف دینی نبود، بلکه سیاسی بشمار

۳- مراد یزدگر اول، بهرام پنجم، یزدگرد دوم، فیروز و خسرو انوشیروان میباشد. م.

میرفت زیرا قصد داشت بعنوان سنگری در مقابله با خطر استحاله در آید، لذا طبیعتاً مسروپ در مقایسه با نتایجی که در حین وعظ و تبلیغ صرف بدست آورده بود با شوق بیشتری سعی داشت تا مسأله مانوس کردن و قابل درك نمودن آئین مسیح را حل کند، تمام اینها را کوریون به نحو مختصر و واضح بیان کرده است:

«و آنگاه که کلام حیات بخش در بین آنان رواج یافت، معجزه های بسیار بزرگی در میان ساکنان آن سامان آشکار گردید... او تصمیم گرفت تلاش بیشتری برای ساکنان سرتاسر گیتی (منظور ارمنستان) انجام دهد (لذا) دعای همیشگی و التماس و افرش را از خداوند و اشك همیشه جاری اش را افزونتر نمود و در عین اینکه این سخن پیامبر را بیاد می آورد که میگفت: «برای من بس حزن آور است و دردها و غمهایم در قبال برادران و هم میهنانم بسیار است.»

و او همچنان در قعر دریایی از غم و درد غوطه ور بود و در این اندیشه که چگونه راه چاره ای برای این جریان بیابد* . چنانکه خورنی و پارپی گواهی میدهند در حالیکه مسروپ غرق در اندیشه ها و غمهای خویش بود اندیشه ایجاد حروف ارمنی از مغز وی خطور نمود. مسروپ برای اینکه به تصمیم خود جامه عمل بپوشاند به واغار شاپاد برگشته نزد جاثلیق ساهاك میشتابد. بزودی معلوم میگردد که ساهاك نیز غرق در اندیشه های مشابه است، لذا فوراً در مقابل پیشنهاد مسروپ اظهار آمادگی میکند. هردو آنها با عزمی راسخ به خلق حروف ارمنی، يك شورای عمومی ترتیب میدهند که از این

* شرح احوال ماشتوتس نوشته کوریون، متن و واریانها، ترجمه، مقدمه و تحشیه توسط پروفسور دکتر مافوك آبتیان، ایروان ۱۹۴۱، صفحه ۴۱.

برنامه الهام بخش استقبال میکند، کلیسا و روحانیون ارمنی با پیدایی حروف و ادبیات میل داشتند در زمینه های معنوی و فرهنگی از نفوذ یونانی و آشوری خارج گردند، مسروپ و ساهاك جستجو و تحقیق خود را در جهت خلق حروف ارمنی آغاز میکنند.

آنها تصمیم و اندیشه خود را با پادشاه ورامشاپوه در میان میگذارند که او نیز از این امر استقبال میکند. این امر از ضرورت ناشی از اوضاع سیاسی و فرهنگی آن عصر برای مقابله همه جانبه و متحد مقامات دینی و دنیوی در برابر خطر استحاله ارمنیان سرچشمه گرفته بود. پادشاه با تشویق این اقدام، در عین حال اظهار میدارد که يك اسقف آشوری بنام دانیل الفبا یعنی حروف و علائم ارمنی را «ناگهان یافته است». وی واهریچ نامی را نزد هابیل از نزدیکان اسقف دانیل میفرستد. هابیل با شنیدن توصیه ورامشاپوه به نزد دانیل شتافته حروف ارمنی را از وی میگیرد و در سال پنجم پادشاهی ورامشاپوه برای «پادشاه سرزمین ارمنیان» میفرستد. همگان از این اختراع ناگهانی خوشحال میگردند، مسروپ جوانانی را جمع نموده به آموزش ایشان با این حروف میپردازد. لیکن بزودی معلوم میشود این حروف که در ارمنی شناسی به «حروف دانیل» معروفند ارمنی نبوده از عهده احتیاجات زبان ارمنی بر نمی آیند و برای سیستم غنی و آشناسی ارمنی الفبائی ناقص و ناکافی بحساب می آیند. لذا با کنار گذاشتن آن در همان حال به تحقیقات خود ادامه میدهند.

مسروپ با جمعی از جوانان به یکی از مهمترین مراکز علمی

و آموزشی آن عصر یعنی ادسا^۴ رهسپار می‌گردد. گروهی از جوانان را نزد خود نگه داشته بقیه آنان را به ساموساد^۵ گسیل میدارد تا به کسب معلومات و دانش یونانی بپردازند. او بکمک افراد دانشمند به تحقیق در دیوانخانه مشهور ادسا اهتمام می‌ورزد، او با خواندن کتب گوناگون الفبای زبانهای مختلف را مورد مطالعه قرار داده با ساختمان آنها، اشکال حروف و اصول کتابت که برای ایجاد حروف ارمنی اجتناب‌ناپذیر بود آشنایی می‌یابد... و پس از تمام اینها اقدام به خلق حروف ارمنی میکند. مسروپ اکنون با آشنایی به الفباهای گوناگون الفبای ارمنی را ایجاد کرده حروفی کاملاً ویژه خلق نموده و از اصول عالی شیوه‌های کتابت پیروی کرده است.

اصول اساسی الفبای ارمنی که او پدید آورد عبارتند از: (۱) يك او برای يك حرف، يك حرف برای يك آوا؛ تنها استفاده حرف "z" است که از ترکیب دو نشانه تشکیل شده و در الفبا جایی ندارد. در این مورد از الفبای یونانی پیروی کرده است که آن هم فاقد حرف "z" بود (و با حروف o و لا نوشته میشد). (۲) شیوه نوشتن افقی از چپ بر راست؛ بیشتر الفباهای آن زمان از راست به چپ نوشته میشدند. او شیوه چپ‌به‌راست را برگزید که برتری چشمگیری دارد (۳) نبودن نشانه‌های تشخیص؛ اکثر الفباهای آن زمان منجمله یونانی دارای

۴- ادسا (Edessa) یا ادسیا یا ادس، شهری در شمال باختری بین‌النهرین که در باستان ارون نام داشت و سلوکوس اول بسال ۳۰۳ پیش از میلاد آنرا بازسازی نموده به احترام شهر همنامی در مقدونیه، ادسا نام نهاد. م.

۵- ساموساد (Samosat) یا شامشاد، شهری در کوماگن در نزدیکی ادسا بود که بسال ۲۴۵ پیش از میلاد بدست شام پادشاه کوماگن که از سلسله یرواندیان ارمنستان بود، بنا گردید. م.

6- z = ou

نشانه‌های گوناگونی رویا زیر یا کنار حروف بودند تا نحوه تلفظ حروف را تصحیح نموده حروف صدادار را متمایز و موارد مشابه را مشخص کنند؛ مسروپ برای اجتناب از شلوغی و پیچیدگی ناشی از این دست در الفبا اینگونه نشانها را بکار نبرد و این امر یکی از موارد برتری الفبای ابداعی او است. (۴) همچون سایر زبانهای زنده بدون شك برای زبان ارمنی سده پنجم مساله تمایز و گوناگونی تلفظ‌ها در مناطق مختلف مشهود بود و اگر اینها باعث اختلافات فاحش لهجه‌ای نبودند با وجود این تا حدودی شیوه تلفظ يك پارچه و متحد را نقض مینمودند؛ مسروپ توانست از اینگونه تفاوتها پافرا تر نهاده و سیستم واحد مشترکی ارائه دهد که به الفبای صوتی مشهور است.

تمام این مزایا امکان پیدایش الفبائی کامل را برای زبان ارمنی بوجود آوردند که نه تنها برای زبان ارمنی آن عصر کفایت می‌کرد بلکه هزار و پانصد سال پس از آن نیز هیچگونه نیازی به تغییر و اصلاح پیدا نکرده، و تنها دگرگونی مربوط به اضافه حروفی برای بیان آواهای (ϕ و օ)^۶ است که در سده‌های میانه وارد الفبای ارمنی شده «به آخر آن اضافه شده‌اند.

کورئون با توضیح فعالیت‌های مسروپ در ادسا ادامه میدهد:
و اوبا دوستانش به تلاشها و دعاها، التماسهای وافر، زهد و پرهیزگاری و غمخوارگی ادامه میداد... و بدین ترتیب او رنجهای بسیاری را بر خود هموار میکرد تا بتواند کار نیکی برای ملتش انجام دهد. خداوند بخشنده به حق (این) بخت را به او ارزانی داشت؛ او با دست مقدسش باعث تولد معجزه یعنی حروف زبان ارمنی گردید. و در آنجا نوشت

7- օ=օ,ϕ=f

نام نهاد و مرتب کرد و با سیلابها و پیوندها شکل داد». این نقل قول نشان میدهد که مسروپ براسستی تلاش و فعالیت پرمشقتی انجام داده، زمانی دراز الفباهای مختلف را مطالعه نموده، بالاخره خود، حروف ارمنی را ابداع و مرتب کرده و نامگذاری نموده است. در اینجا باید متذکر شد که الفبای ارمنی به مراتب غنی‌تر از الفباهایی است که مسروپ مورد مطالعه قرار داده است. (مثلاً یونانی، آشوری و غیره) اکثر آنها از يك رشته حروف محروم بودند (ϛ, ϛ', ϛ'', ϛ''', ϛ''''، ϛ''''', ϛ''''''، ϛ''''''').^۸

مسروپ هیچیک از حروف الفباهای مورد استفاده خود را وارد الفبای ارمنی نکرده است (حروف ارمنی مشابه حروف سایر الفباها نیست)^۹ بلکه حروفی کاملاً منحصر بفرد بوجود آورده است. نحوه ترتیب حروف در الفبا اساساً مطابق الفبای یونانی است. مسروپ با ایجاد الفبا کار خود را در ادسا تمام شده دید و به شهر ساموساد رهسپار گردید. در اینجا وی خوشنویسی ماهر در خط یونانی بنام روفینوس^{۱۰} یافت («شخصی کاتب در کتابت هلنی») و امر مربوط به خوشنویسی اشکال حروف را به وی سپرد. او در همین جا يك جمله از کتاب امثال سلیمان نبی را بصورت زیر ترجمه کرد: «به جهت دانستن، حکمت و عدل و برای فهمیدن کلمات، فطانت»^{۱۱} و آنرا به روفینوس

۸- بترتیب ، ϛ, ϛ', ϛ'', ϛ''', ϛ''''، ϛ''''', ϛ''''''، ϛ'''''''.
 ۹- گرچه حروف ارمنی دقیقاً شبیه حروف الفبای دیگر زبانها نیست

اما اصولاً بر پایه الفبای یونانی بنا شده و بنا به نظر آن‌توان می‌تواند شناس شهیر فرانسوی ۲۲ حروف از حروف ارمنی با حروف یونانی مطابقت داشته ۱۴ حروف بقیه منحصر بفرد است - م.

۱۰- یا هرویانوس - م.

۱۱- کتاب امثال سلیمان نبی، باب اول آیه دوم - م.

داد تا بنویسد در عمل تکامل و چگونگی حروف ابداعیش را نه تنها از حیث هماهنگی و تطابق آنها با سیستم آواشناسی ارمنی، بلکه از نظر خوشنویسی نیز دریابد. محتمل است که مسروپ فقط همین يك جمله و یا قطعه کوچکی را ترجمه کرده و با نوشتن آن توسط خوشنویس، کار خود را در ساموساد پایان یافته دیده باشد.

آیا دلیلی داشت تا او يك یا چند جمله را ترجمه نموده و آنها را به کاتب دهد تا با خطی خوش بنویسد و آنگاه آنها را برداشته به ارمنستان برگرداند؟ آری دلیل داشت. نخستین آزمایش در وطن به شکست انجامید و حروف دانیل^{۱۲} از عهده نیازهای زبان ارمنی بر نیامد و مسروپ بناچار به دیار غربت رفت تا حروف ارمنی را خلق نماید. او این رسالت را به انجام رسانیده بود، لیکن تنها ابداع حروف کافی نبود، این امر برای وی اهمیت داشت که آیا این حروف برای آواهای ارمنی کفایت میکند؟ وی هنگام پایان دادن به کار شکل دادن به حروف، به این نتیجه رسیده بود و با این باور به ساموساد رفته بود تا حروف را از حیث خوشنویسی مرتب نماید. این ترجمه و قطعه خوشنویسی شده بدست روفینوس، اثبات قاطعانه موفقیت او بود لذا وی آگاهانه رهسپار وطن شد.

در اینجا با شور و شعف زاید الوصف از وی استقبال میشود. چنانکه کوریون مینویسد، وقتی که خبر بازگشت مسروپ و شاگردانش

۱۲- حروف دانیل حروفی بود که در اواخر سده چهارم یا اوایل سده پنجم در ارمنستان مورد استفاده قرار داشت که از نزد اسقف دانیل آشوری آورده شده بود. به گمانی اینها حروف ارمنی مورد استفاده در دوران پیش از ماشوتوس بودند و بگمانی دیگر حروف يك زبان خارجی بود که با زبان ارمنی تطابق یافته و بکار میرفت. اما بعدها روشن میشود که ناقص بوده با سیستم آوایی ارمنی هماهنگی ندارد - م.

به پادشاه و جاثلیق رسید، «به همراهی بزرگان و نجبا و هنگ ویژه از شهر بیرون آمده در ساحل رود راه^{۱۳} از آن شخصیت خوشبخت استقبال کردند» (۵۵). گروه پیشوازکننده غرق در خوشی و آواخوانی مسروپ را بسوی پایتخت رهنمون شد و به مناسبت این واقعه بزرگ جشنهای پرشکوه ترتیب داد.

حروف ارمنی بوجود آمده بود و قطعه ترجمه شده از کتاب امثال سلیمان نبی گواه بارز کفایت آن بود. اکنون مسروپ و دوستانش به فعالیتهای علمی و ادبی میپردازند. مسروپ از سویی به امور آموزشی و علمی و از سوی دیگر به کار ترجمه و تبلیغ و وعظ میپردازد. ابتدا چنانکه انتظار میرفت به ترجمه کتاب مقدس همت گماشتند، کوریون تعریف میکند که «آنان آغاز به ترجمه و نوشتن هنر انجیلی (تکثیر توسط رونویسی) و آموزش آن نمودند». خود مسروپ ابتدا به تبلیغ و وعظ در گوغتن و سپس در سیونیک میپردازد. اکنون شاگردان تحصیلمکرده را به مناطق مختلف ارمنستان میفرستد تا به تبلیغ پرداخته مسیحیت را به زبان مادری اشاعه دهند. اما تعداد شاگردان زیاد نبود: «آنها خودشان بطور دسته جمعی از نوعی مختلف ارمنستان برمیخاستند و به سوی سرچشمه جدید علوم الهی میشتافتند». (۵۹) بدین ترتیب پس از مدت کوتاهی گروه عظیمی از جوانان تحصیلمکرده و مسلح به علوم آن زمان، تعلیم میافتند و کوشش خود را در روشنگری و فعالیتهای مذهبی بکار می‌بستند. فعالیتهای مسروپ، ساهاک و شاگردانشان بحق يك جنبش روشنگر بود که نه تنها اهمیت فرهنگی

بلکه در وهله اول ملی - سیاسی داشت و با پیشرفت متحد فرهنگی سنگ بنای اتحاد کلیه توده‌ها و بخشهای ارمنی، شالوده تقویت روانی و اتحاد فرهنگی نهاده میشد که برای مقابله بالشکر کشیها و تجاوزات وحشیانه رکثیرالوقوع و سلطه‌های آتی نه تنها در آن روزها که ارمنستان میان دو حکومت تقسیم شده بود بلکه در سراسر ادوار پس از آن اجتناب ناپذیر مینمود و در این رهگذر نه تنها مسروپ و ساهاک و شاگردانشان بلکه پادشاه و رامشاپوه و مقامات دولتی نیز به لزوم آن آگاهی یافته بودند. بیهوده نبود که کوریون با روحی پر شور تعریف میکند که سرتاسر ارمنستان لبریز سرور و شادگامی بود!

اگر مسروپ ماستوتس با فعالیت خستگی ناپذیر خود برای استحکام بخشیدن به اتحاد عقیدتی و معنوی خلق ارمن و تلاشها و پشتکار بسیاری که برای ابداع حروف و ادبیات اصیل ارمنی بمنظور نیل به این هدف بکاربرد در نزد مردم به عنوان شخصیت فداکار سیاسی - عقیدتی به ظهور رسید اما تدوین حروف الفبا او را بصورت دانشمندی بزرگ درآورد. حروف ارمنی با صفات تکاملی خود بحق زائیده فکری پرنبوغ است. مسروپ با اتمام کارش سلاحی بس نیرومند برای رونق فرهنگ و استحکام شالوده معنوی تقدیم خلق ارمن نمود.

لیکن معلم و دانشمند پرشوق و ناآرام هنوز رسالت خود را به پایان نبرده بود. وی با توسعه تبلیغات خود در نواحی ارمنستان شرقی درصدد ایجاد حروف برای ملل همسایه ارمن یعنی گرجیان و آلبانیان^{۱۴} همسایه و دوست و برادر برآمد.

۱۴ - ساکنان آلبانیا، سرزمینی که میان رود کور و کوههای قفقاز واقع

بود - م.

۱۳ - رود راه (Rah)، شعبه شمالی ارس بود که از نزدیکی شهر داغارشاباد

می‌گذشت و امروزه سوجور (sevjur) نامیده میشود - م.

پس از به انجام رسانیدن این رسالت نیز، مسروپ با همراهی گروهی از شاگردانش رهسپار ارمنستان غربی می‌گردد تا در آنجا نیز به تأسیس مدارس و اشاعه و تعلیم و تعلم همت گمارد. در اینجا بزرگان کشوری و روسای دینی بویژه سرپرست امپراتوری یعنی سپهسالار ازوی استقبال شایان بعمل می‌آورند. لیکن علی‌رغم این استقبال بسیار خوب، تصمیم و هدف مسروپ با چنان طرز تلقی و پذیرش دلپذیر مواجه نمی‌شود. سپهسالار آنا تولیس قیصر روم را در مورد ورود مسروپ و همراهانش و هدفشان آگاه می‌سازد. قیصر طی دستوریه به سپهسالار سفارش می‌کند تا مسروپ را با کمال احترام پذیرد و بالقب آکومیت (تلاش‌کننده، ناظر بیدار) ازوی تجلیل نماید. لیکن مسروپ مجبور می‌شود به شهر قیصر نشین قسطنطنیه رفته از قیصر اجازه ویژه دریافت دارد. قیصر با پذیرایی عالی مسروپ را مورد احترام قرار می‌دهد. و باهدف و مقصودی هم‌آوا شده طی فرمانهای کتبی «ساکر» دستور تأسیس مدارس ارمنی و آموزش کودکان را می‌دهد. مسروپ این امر را نیز با همراهانش با موفقیت به انجام می‌رساند؛ مسداری تأسیس می‌کند و شاگردان همراهش را بعنوان آموزگار مشغول بکار مینماید و شاگردان بیشماری از نواحی گوناگون گرد می‌آیند.

او فقط پس از به انجام رساندن رسالت خود و استحکام بخشیدن به کار اشاعه روشنگری در سرتاسر ارمنستان و همچنین در آلبانیا و گرجستان به پایتخت برگشته به ساهاک ملحق می‌گردد و به فعالیتهای ادبی و ترجمه کتابها ادامه می‌دهد. در اینجا نیز وی اغلب به گشت و گذر به نواحی اطراف می‌پردازد و از مدارس خود بازدید کرده برای مردم سخنرانی می‌کند. چنانکه از نوشته‌های کوریون برمی‌آید و چنانکه

پژوهشگران و ارمنی‌شناسان نشان داده‌اند، ساهاک و مسروپ گویا کتاب مقدس را تماماً ترجمه نموده‌اند (فقط ترجمه کتاب مکابائیان قابل تردید است). بغیر از این کتاب، احتمال ترجمه سایر کتب کلیسایی نیز توسط ساهاک و مسروپ و یا حداقل شرکت صمیمانه آن‌دو در این کار می‌رود. در هر صورت این امر واضح و تهی از شک و تردید است که مسروپ در این بخش از زندگی خود به فعالیتهای ادبی بعنوان مشغولیت اصلی پرداخته است.

نوشته‌هایی را نیز به مسروپ منتسب نموده‌اند چون شاراگانهای ندامت، مجموعه «سخنرانی‌های مفصل»، صحیفه‌ارسالی به اسقف پروکغ. او به همراه ساهاک پارتو جنبش پرخروش آن دوران را تا پایان زندگی رهبری نمود. بنا به نوشته‌های کوریون مسروپ پس از اختراع حروف ۳۵ سال زیست و فعالیت نمود، اما از هنگام ترك خدمت در دربار و پرداختن به فعالیتهای تبلیغ و وعظ تا هنگام مرگ او ۴۵ سال گذشت. او در روستای او شاکان به خاک سپردند، تشییع جنازه او بسیار شکوهمند بود؛ طبقه روحانی، ساکنان پایتخت به رهبری بزرگان و نجبا در این آئین همگام شدند.

برای جاودانی نمودن نام مسروپ، واهان آما تونی (هزاربده^{۱۵})

۱۵- وظیفه هزاربده تعیین مالیاتها و سرپرستی در اخذ آن، سرپرستی فعالیتهای مهم اجتماعی و دولتی (راهسازی، کانال‌سازی، غرس جنگل و غیره) بود و مسؤلان جمع‌آوری مالیات تابع او بودند. این مقام بطور موروثی در دست خاندان ناخاراری (اشراف فئودال) آما تونی بود. در حکومت ساسانی این مقام را هزارپات (هزاربده) و یا وزرگ فراماتر (وزرگ - فرمادار) یا فرمانده بزرگ می‌نامیدند که در راس کلیه دستگاه اداری دولت قرار داشت و معمولاً این منصب به خاندان پادشاه و یا دودمانهای بسیار مشهور اعطا میشد مانند مهر نرسی در دوران سلطنت یزدگرد اول و بهرام پنجم و سوزن پهلوی در دوران پادشاهی بهرام پنجم، مقام وزیر بزرگ (وزیر اعظم) در دوران خلافت اعراب انعکاس همان اختیارات وزرگ فراماتر ساسانی است - م.

ارمنیان در آن زمان) سه سال پس از مرگ وی بر روی مقبره او معبدی برپا ساخت و کوریون یکی از شاگردانش بنا به توصیه جاثلیق هوسپ و خواهش همشاگردیانش به نگارش زندگینامه مسروپ همت گمارد. کوریون مینویسد: «اما اکنون، نخست به مقدمه ای بپردازیم که آیا ما مجاز هستیم در مورد احوال زندگی اشخاص کامل چیزی بنویسیم. نه فقط با بحث و نطاقی از جانب ما بلکه توسط مثالهایی بوضوح عکس آنرا اثبات میکنیم» در این قطعه منظور از کامل «متوفی، در گذشته» است و معنی این نوشته این است که آیا مجاز هستیم تذکره ای در مورد کسانی بنویسیم که نه شهید شده، نه جزو قدیسین، نه پیامبران و نه از حواریون بوده اند بلکه به مرگ طبیعی وفات یافته و به کمال زندگی رسیده اند!

این مقدمه براثت کوریون، کاملاً قابل درک است. در عصر او «تذکره» را در مورد شهدا و قدیسین مینوشتند در حالیکه مسروپ نه شهید بود نه قدیس. اگر چه بعدها جزو قدیسین کلیسای ارمنی درآمد، ولی بلافاصله پس از وفاتش هنوز دارای چنین ارجح و الایسی نگشته بود. لذا کوریون لازم میدانند تا این جسارت خود را یعنی «تذکره نویسی» درباره کسی که بامرگ طبیعی وفات نمود، محقق دانسته خود را تبرئه نماید.

تاریخ نویسان و نیز بعدها برخی محققان ما فعالیت‌های دینی - تبلیغی مسروپ را مورد تأکید قرار دادند. اینکه کوریون بیشتر در باب فعالیت‌های تبلیغی او سخن میگوید، بسیار قابل درک است، زیرا او نه درباره يك شهید بلکه راجع به کسی مینوشت که با مرگ خود مرده بود بدین علت نیز برای تبرئه خود فعالیت‌های مذهبی او را مورد تأکید

قرار میدهد.

گسترش مذهب مسیح و استحکام حکمت مسیحیت در میان کلیه قشرهای خلق ارمنی در آن دوران، چنانکه پیداست گاهی مترقیانه و بخصوص اهمیت عظیم سیاسی - ملی آن درخور نگرش بود. خلق ارمنی با محرومیت از هویت حکومتی خود، تنها توسط رونق فرهنگی و حفظ زبان میتوانست با سیاست استحالیه مقابله کند که هم در بخش ایرانی و هم در بخش یونانی ارمنستان به اجرا درمیآمد. این امر به نحو شکفت آوری فقط ده سال پس از وفات مسروپ به اثبات رسید که خلق ارمنی با شعار حفظ مذهب مسیحیت بپاخاست و به جنگ بسیامان پرداخت (نبرد وارتان^{۱۶})، ولی در واقع این نبرد نه مذهبی بلکه خلقی - آزادیبخش برای حفظ موجودیت خلق ارمنی و نجات او از خطر حل نژادی و محرومیت از هویت ملی بود. چنانکه در آن هنگام مذهبیون با میلیون یکدل و یک زبان شده بودند و از این حیث فعالیت‌های مسروپ بحق چاره و تدبیری عالی برای نجات خلق ارمنی از این خطر بحساب میآمد.

الفبای ابداعی مسروپ بحق توسط کلیه محققان مورد تحسین قرار گرفته است؛ این الفبا سیستم هجائی ارمنی را کاملاً بیان نموده بر پایه اصول آواشناسی قرار دارد. لیکن جنبش نیرومند ادبی و تازه ای که مسروپ آنرا متولد کرد دارای اهمیت بیشتری بود. او با آموزش الفبا به شاگردانش آنها را مترجمان و مولفان زبردست در تالیف

۱۶ - نبرد وارتان جنگی بود که در اثر ستم و آزار یزدگرد دوم ساسانی بر ارمنیان مبنی بر تغییر مذهب از مسیحیت به آئین زرتشت، میان سپاه ارمنی بفرماندهی وارتان مامیکنیکیان و سپاه ساسانی رخداد و اگر چه یزدگرد به پیروزی نظامی رسید اما تا سالها پس از آن واقعه مجبور به اعطاء تخفیفاتی گردیدیم.

کتاب گردانید . خود ساهاک و شاگردان معروفش در مدت زمان نسبتاً کوتاهی نه تنها کتاب مقدس و کتب متعدد کلیسایی و آثار پرارزش علمی و فلسفی را ترجمه نمودند بلکه ادبیات درخشان منحصر بفردی نیز وجود آوردند (آثار کوریون، پاستوس، آگاتانگوس و یزنیک). تمام اینها جنبش روشنگری، ادبی و ترجمه‌ای نیمه اول سده پنجم را پرثمر و غنی نموده اساس چنان کاری را برای آینده پایه‌ریزی کرد که میتوان از جمله «تاریخ ارمنیان» موسی خورنی شاهکار تاریخ‌نویسی کهن ما و آثار فلسفی داویت آناهات و غیره را نام برد.

ایجاد و رهبری این جنبش ادبی طی ۳۵ سال سیاحت به کلیه نواحی ارمنستان، تأسیس مراکز آموزشی در همه جا، آماده‌سازی افراد تحصیلاً کرده برای اداره و آموزش آنها و نیز اندیشه خدمت به خلقهای همسایه، همه و همه توصیف‌کننده شخصیت مسروپ ماشتوتس است، نه تنها بعنوان روشنفکر و دانشمند بلکه بعنوان یکی از بزرگترین چهره‌های کلیه ادوار.

آری این است دلیل آنکه یاد مسروپ در طی قرون درخشان مانده است. برای حفظ هویت خلق ارمنی که تحت دوسلطه نیرومند و متخاصم استبدادی قرار داشت و از هویت حکومتی و اتحاد و یک پارچگی محروم شده و از حیث نیروی نظامی بسیار تضعیف گردیده بود و برای مقابله با سیاست ضدملی و حل نژادی مستبدان کلیه ادوار، مسروپ ماشتوتس آتشی خاموش ناشدنی برای خلق ارمنی روشن نمود. خلق ارمنی باروشن نمودن راه خود بوسیله آن، نه تنها هویت شالوده‌رویی و فرهنگ خود را حفظ بلکه آن را هرچه بیشتر غنی کرده با فرهنگ دیرین، شالوده روحی ملی، ادبیات، علوم و هنر غنی خود به دوران حاضر رسید.

کوریون^{۱۷}

کوریون مؤلف نخستین کتاب ارمنی است که به زندگی مسروپ ماشتوتس و تاریخ اختراع الفبا تخصیص دارد. ارزش کتاب بیشتر از این لحاظ است که مؤلف، معاصر و شرکت‌کننده این واقعه مهم فرهنگی بوده است.

راجع به زندگی کوریون اطلاعاتی در کتاب خودش وجود دارد. زادگاه و سال تولد او معلوم نیست، فقط میدانیم که وی از شاگردان ارشد ماشتوتس در دانشگاه واغارشاپاد اولین مدرسه ارمنی بوده است.

او پس از پایان تحصیلات به همراه دوستانش برای تدریس و تبلیغ به نواحی مختلف ارمنستان فرستاده میشود، سپس در سال ۴۲۴ احتمالاً بنا به پیشنهاد ماشتوتس به همراهی غوند^{۱۸} راهی قسطنطنیه میگردد تا در زبان و ادبیات یونان تبحر یافته برای ترجمه کتب آمادگی یابد. آن دو در اینجا به هوسپ پاغنی^{۱۹} و یزنیک گوغیبی شاگردان ارشد مسروپ ماشتوتس که به همان منظور به قسطنطنیه فرستاده شده

17_ Koryun

18_ Ghevond

19_ Hovsep Paghnetzi

بودند ملحق میشوند : «چنین اتفاق افتاد که چندتن از برادران از سرزمین ارمنستان دور شده به دیار یونان رهسپار گشتند که نخستین آنهاغی زندگی نام داشت شخص دوم خود من، کوریون بودم و در شهر قسطنطنیه به یزنیك بعنوان هم ولایتی برخوردند و در آنجا به امر نیازهای معنوی (یعنی کار ترجمه)* مشغول شدند».

اینان با اتمام تحصیلاتشان به میهن برمیگردند و کوریون در ارمنستان به کار تعلیم و تبلیغ ادامه میدهد .

کوریون پس از مرگ مسروپ ماشتوتس تصمیم میگیرد زندگی نامه آموزگار خود را به رشته تحریر درآورد . او مینویسد : «در حالیکه من در فکر یادآوری وقایع بودم، دستوری از طرف شخص محترمی هوسپ نام برای انجام این کار ، همراه آن تحسین و تمجید هم- شاگردیان بمن رسید. لذا من که این بخت را داشتم تا شاگرد خصوصی او باشم و اگرچه کوچکترین شاگرد او بودم و این مسئله خارج از حدود توانایی ما بود لیکن بالاجبار برای انجام این دستور منصفانه و نیکو بدون درنگ کار نگارش را آغاز کردم» (ص ۲۳) .

و بدین سان کوریون کتاب خود را تحت عنوان «گزارش زندگی و مرگ و ارتاپت ترجمان ، روانشاد ماشتوتس مقدس» می نویسد که بطور خلاصه «شرح احوال ماشتوتس» نامیده میشود . به احتمال قوی آنرا بین سالهای ۵۴۳-۴۵۰ نوشته است .

دو نمونه از کتاب «شرح احوال ماشتوتس» به ما رسیده است . یکی مفصل و دیگری خلاصه . برخی نمونه خلاصه را نسخه اصلی و

* کوریون، شرح احوال زندگی ماشتوتس، تنظیم متن، مقدمه و حواشی توسط پرفسور دکترمانوک آغبغیان، ایروان، ۱۹۴۱ ص ۷۵.

اولیه میدانند و گروهی دیگر نمونه مفصل را اکنون بطور قطع ثابت شده است که نمونه مفصل به قلم کوریون است . اما نمونه مختصر نسخه ایست که در سده های ۶-۹ دچار تغییرات شده و اصولاً تحت تأثیر «تاریخ ارمنیان» موسی خورنی تحریر یافته است .

کوریون پس از این دیباچه به مقدمه مفصلی میپردازد و با مثالها و نقل قولهای گوناگون کوشش میکند نشان دهد که تا چه حد «نوشتن راجع به احوال اشخاص کامل» مجاز است .

در اولین نگاه چنین استنباط میشود که این مقدمه با متن اصلی مرتبط نیست و این احتمالاً بدان سبب است که این بخش در نمونه مختصر حذف شده است . لیکن کوریون این بخش را بطور اتفاقی نوشته است زیرا او منظور و هدف خاص خود را داشته است .

چنانکه پیداست، اینگونه نوشته ها در مورد قدیسین نگارش مییابد. از کل ادبیات مسیحی تذکره های راجع به بارسغ قیصری، هوهان زرین کلام، گریگور نازیازانی ، سغبستروس و دیگران معروفند. ولی چون مسروپ جزو قدیسین نبود، کوریون وی را همردیف آنها قرار داده است زیرا او برای ارمنیان کار بزرگی انجام داده بود که همانا اختراع حروف است.

در ارمنستان تا قبل از اختراع الفبای ارمنی، هنگامیکه در مراسم کلیسایی انجیل بزبان آشوری و یونانی خوانده میشد روحانیون غیر ارمنی و بویژه آشوری که از حمایت دربار ایران برخوردار بودند صاحب ارج و مقام والایی شده بودند، و پیدایی الفبا و انجام مراسم به زبان ارمنی تا اندازه زیادی قدرت آنان را متزلزل کرد . بنابراین آنان برای حفظ امتیازات قبلی خود به پیکار پرداختند و از آنجا که

نفوذ آنان زیاد بود چنانکه پیداست کوریون میخواست استه است که بر حملات اجتناب ناپذیر آنان پیشی گیرد، و بدین ترتیب این مقدمه را نوشته است.

پس از بخش نامبرده متن اصلی کتاب یعنی شرح احوال مسروپ ماشتوتس آغاز میگردد که مشتمل برزند گینامه ماشتوتس، زادگاه و والدین او، تحصیلات و .. فعالیت ماشتوتس در دربار، انجام تبلیغات در ولایت گوغتن و سپس اختراع حروف است.

کوریون اختراع الفبا را مفصلاً تشریح نموده، اهمیت عظیم فرهنگی سیاسی آنرا با آگاهی تمام متذکر گردیده است...

نه تنها مقامات دینی بلکه بزرگان دنیوی نیز در اندیشه پیدایش حروف بودند.

وقتی که مسروپ و ساهاک نظر و هدف خود را به اطلاع پادشاه ورامشاپوه میرسانند، پادشاه اظهار میدارد که او را از وجود حروف ارمنی در نزدیک روحانی آشوری بنام دانیل مطلع ساخته اند. پادشاه شخصی واهریچ نام را نزد کشیش هاییل که یکی از نزدیک اسقف دانیل بود میفرستد تا حروف را بیاورد. لیکن بعدها که معلوم میشود حروف نامبرده برای سیستم آواشناسی ارمنی ناکافی اند، مسروپ ماشتوتس عهده دار ایجاد الفبای ارمنی میشود.

او بدین منظور با همراهی شاگردانش راهی ادسا و ساموساد میشود. و در همانجا موفق به انجام رسالت بزرگ خود میگردد. چنانکه کوریون مینوسد ماشتوتس «با دست مقدسش باعث تولد معجزه یعنی حروف زبان ارمنی گردید». (۴۹) در ساموساد همسراه یک خوشنویس یونانی بنام روفینوس «چگونگی حروف، باریکی و کلفتی، کوتاهی و بلندی، تفکیک و تکرار آنها را تنظیم کرد و پس از

پایان کار، اقدام به ترجمه ای به کمک دوتن از شاگردانش نمود، یکی از آنها بنام هوهان از ولایت یگنخ و دومی شخصی بنام هوسپ از خاندان پاغن» (۴۹-۵۱).

کوریون بویژه استقبال گرم و باشکوهی را که از ماشتوتس بعمل می آید تشریح میکند آنگاه که او از ساموساد برگشته حروف ارمنی را با خود به ارمغان می آورد: «وقتی آمد و به شهر پادشاهی نزدیک شد، خبر به گوش پادشاه و اسقف مقدس رسید. آنان به همراهی بزرگان ونجبا و هنگ و ویژه از شهر خارج شده، در ساحل رود راه از آن شخصیت خوش بخت استقبال کردند و پس از تبادل سلاحهای گرم در حالیکه غرق در خوشحالی بودند و آوازه های مذهبی میخواندند و با صدای بلند دعای خیر میکردند به شهر برگشتند و روزهایی را به شورش و شغف گذراندند» (۵۵).

سپس کوریون در مورد فعالیت های آموزشی و تبلیغی مسروپ در واغارشاباد و در ولایت ارمنستان تعریف میکند.

ماشتوتس پس از اختراع حروف نخست راهی نواحی شرقی کوه آرازات میشود جایی که آموزش حروف به ساکنان آنجا «نه تنها بخاطر عادات شیطانی و ددمنشی و دیو صفتی ایشان بلکه بعلم طرز گفتار تند و خشن و ناشمرده، مشکل و پیچیده بود» (۵۵). «آداب و سنن نیاکان» در گوغتن، سیونیک و سایر نواحی مرسوم بود.

چنانکه از این گواهی کوریون برداشت میشود، نوشتن جدید ارمنی برای خدمت به استحقاق مسیحیت و اشاعه مذهب جدید در نواحی معتقد به بت پرستی نیز بکار گرفته شده بود.

کوریون نسبتاً به تفصیل در مورد جاثلیق ساهاک پارتو یارو

همکار بسیار نزدیک ماشتوتس سخن بمیان می‌آورد که یکی از مشهورترین نمایندگان حیات سیاسی، معنوی و فرهنگی ارمنی در سده پنجم بشمار می‌رود. تنها همین گزافی دالیر کمک بی‌درنگ و صمیمانه و تشویق‌های او نسبت به ماشتوتس در اختراع حروف ارمنی، این امکان را می‌دهد که ساهاک رابعنوان پیشگام فرهنگ ارمنی بشمار آوریم. او فعالیت‌های ادبی نیز داشته است. قوانین کلیسا، دو صحیفه و یک رشته‌شاراگان^{۲۰} به‌وی نسبت می‌دهد. همراه با ساهاک پارتو و مسروپ ماشتوتس، از افراد دیگری چون جاثلیق هوسپ و ایوتس زوری^{۲۱}، غوندس یوتس، هوهان یگفی، یزنیک کوغبی، کوریون و دیگران بعنوان نخستین مترجمان ارمنی میتوان یاد نمود. اما چنانکه پیداست این ساهاک پارتو بود که نخست به ترجمه پرداخته بود، کوریون مینویسد: «اما ساهاک خوش بخت مجموعه کتب کلیسایی و بسیاری از آثار فلسفی را از زبان یونانی به ارمنی ترجمه کرده بود. افزون بر اینها وی بیاری یوزناک ترجمه‌هایی را که با شتاب انجام شدن بود بصورت نمونه‌های قطعی و تنظیم شده در آورد». (۷۷)

در مورد این شخصیت مشهور، موسی خوزنی، غازارپاری و یک تاریخ‌نویس بی‌نام در کتاب «تاریخی برای ساهاک خلیفه مقدس و وارتابت مسروپ» و چندتن دیگر از نویسنده نیز مطلب نوشته‌اند اما مهمترین آگاهی‌ها را درباره‌ی وی کوریون شاگرد او و مسروپ بما می‌دهند.

۲۰- شاراگان (Sharagan) یک نوع آواز است که روحانیون در کلیسا

میخوانند - م.

اگرچه هدف کوریون ارائه زندگینامه و فعالیت‌های ماشتوتس بود اما در کتاب او اطلاعات مهمی نیز در خصوص زندگی سیاسی و اجتماعی داخلی ارمنستان موجود است.

«شرح احوال» با یک قطعه وقایع نگاری پایان می‌رسد. این نخستین وقایع نگاری در ادبیات ارمنی است که شامل تاریخ‌های مربوط به زندگی مسروپ ماشتوتس و اختراع حروف می‌باشد.

کتاب کوریون چه چیز را ارائه می‌دهد؟ آیا تذکره‌ای معمولی، مدحی در خصوص ماشتوتس نابغه و یا تاریخی صرف می‌باشد؟

اگرچه کتاب او «شرح احوال» نامیده میشود و شامل مطالب تذکره نویسی بسیاری است ولی آنچه که بیشتر مبین و مشخص کننده است جنبه تاریخ نگاری وقایعی است که همزمان با اختراع الفبا در ارمنستان روی داده است.

چنانکه معلوم است کتاب کوریون تنها منبع موثق در باب اختراع حروف و نضج گیری کتابت ارمنی بشمار می‌رود. مؤلفین بعدی اطلاعات خود را اساساً از همین اثر اخذ نموده و گاهگاهی نیز جزئیات مختصری بعنوان مکمل اضافه میکنند.

چنانکه گفته شد، کوریون یکی از شاگردان ماشتوتس بوده کتابش را بلافاصله پس از وفات او و در زمان حیات شاگردان وی به رشته تحریر در آورده است، لذا اطلاعات او کاملاً قابل اطمینان و موثق بشمار می‌رود.

در مورد زبان و شیوه نگارش کوریون، ارمنی شناس شهیر مانوک آبقیان مینویسد که «یکنواخت نیست جملات آن گاهی کوتاه و مختصر و گاهی مفصل و پیچیده است. او با فصاحت اغراق آمیز و

پیرایش اضافی چنانکه خود می گوید «آراسته» نوشته است. نوشته او اغلب بخاطر عبارات پیچیده یا طرز بیان نامنظم، مبهم است. گاهگاه فقدان لغات بسیار ضروری یا جاننشینی لغات مرکب و پیچیده و جدید برای يك جمله کامل و کاربرد لغاتی بامفاهیم غیر معمول نثر او برای ما نا آشنا بنظر میرسد»^۵.

با وجود اینها، کتاب کوریون از لحاظ زبانشناسی دارای ارزشی والاست زیرا نخستین کار دوران کتابت زبان ارمنی محسوب میشود. این کتاب چه از نظر ذخیره لغات و چه زبانشناسی و بالاخره بعنوان کهنترین عرضه و بیان گرا بار کلاسیک برای مطالعه تاریخ زبان ارمنی اهمیت دارد.

اینکه کوریون آثار دیگری نگاشته یا خیر معلوم نیست. لیکن همین يك اثر او کافی است تا او را بعنوان یکی از چهره های مشهور کتابت ارمنی محسوب کنیم. و بیهوده نیست که او را «کوریون معجزه گر» و «کوریون خوش بخت» «کوریون نابغه» نامیده و صفات حاکی از احترام و تمجید را برای او بکار برده اند.

در سده هفدهم و سکان ایروانی، این شخصیت نیکوکار انتشاراتی ارمنی، شرح احوال ماشتوتس را بزبان لاتین ترجمه کرد. کتاب کوریون چاپهای مختلفی داشته و به زبانهای اروپائی برگردانده شده است.

آگاتانگفوس

آگاتانگفوس از نخستین ادبای ارمنی بشمار میرود. از او کتابی تحت عنوان «تاریخ آگاتانگفوس» بما رسیده است که در سده های میانه در سطح جهان گسترش یافته بود. این کتاب به زبانهای یونانی، عربی، گرجی، حبشی، لاتین، اسلاو و غیره ترجمه شده است.

در مورد آگاتانگفوس اطلاعات دقیقی توسط غازار پاربی تاریخ نویس سده پنجم بجای مانده است که در همان نخستین سطرهای تاریخ خود راجع به محتوای کتاب وی صحبت نموده آنرا «کتاب گریگوریس» می نامد. در کتاب تاریخ سبئوس نیز به همین نام از آن یاد میشود. بعدها تاریخ نویسان در مورد این کتاب، دیگر ذکری از «کتاب گریگوریس» به میان نمی آورند بلکه آنرا صریحاً «آگاتانگفوس» نامیده این نام را بزبان یونانی بصورت «فرشته نیکو» تثبیت می نمایند.

تاریخ آگاتانگفوس از نخستین آثار کتابت ارمنی بوده اولین آنهاست که «تاریخ ارمنیان» نامیده میشود. این کتاب بعنوان منبعی مهم برای تاریخ ارمنیان در سده های سوم و چهارم از ارزش

* م. آغبیان، تاریخ ادبیات کهن ارمنی، مجموعه آثار، جلد ۳، ایروان

تاریخی فراوانی برخوردار است و اگرچه مملو از قطعه‌های مربوط به تذکره شهدا و حکایات است، اما مسدازك دقیق تاریخی نیز جای مهمی را در آن به خود اختصاص داده است.

تاریخ آگاتا نگنوس مشتمل بر ادواری میشود که پادشاهی اشکانی ارمنستان بصورت موروثی در آمده است (پس از پادشاهی واغارش دوم (۱۸۶-۱۹۸))، ارمنستان در برابر تجاوزات ساسانیان مبارزه میکنند و بالاخره پادشاه تیرداد سوم (۲۸۷-۳۳۰) میتواند حکومتی نیرومند در کشور برقرار کرده حکومت ارمنی را استحکام بخشد.

محتوای کتاب بشرح زیر است:

پادشاهان اشکانی ارمنی در برابر توطئه‌ها و تجاوزات ساسانیان شدیداً مبارزه میکردند. اردشیر ساسانی پادشاه اردوان پنجم پارتی را بقتل رسانده پادشاه ایران میشود. خسرو پادشاه ارمنستان جنگهای پیروزمندانه‌ای با اردشیر میکند. اردشیر تصمیم میگیرد با استفاده از يك توطئه و فریب خسرو را بقتل برساند و آناگ پارتی را به ارمنستان میفرستد و او باتزویب و تظاهر به دوستی با خسرو، در هنگام شکار وی را می‌کشد. ناخاراهای^{۲۲} خشمگین ارمنی خاندان آناگ را نیست و نابود میکنند اما اردشیر ارمنستان را به تصرف درآورده

۲۲- ناخارارها، فتودالهای اشرافی بودند که با اخذ تیول از پادشاه به مقام و منصبی میرسیدند و گاه قدرت آنان به چنان حدی میرسید که علیه پادشاه می‌شوریدند، اینان غالباً خود دارای مرکز حکومتی و سپاه بوده در گاهنامه پادشاهی مکانی را به خود اختصاص میدادند. اما درباره کلمه ناخارار باید گفت که دانشمندان درباره آن اظهار نظرهای گوناگون نموده‌اند، هراچیا آجاریان آنرا ماخوذ از شکل ایرانی nafagara (nafa, nafa+gara) به معنی ناف، اصل و نسبت) می‌داند و آنتوان میه آنرا از کلمه ایرانی naxavara (نامور) مشتق میدانند که به معنی رئیس قوم است - م.

تبار خسرو را از بین می‌برد. اما دو کودک از این کشتار نجات می‌یابد. تیرداد پسر خسرو و گریگور پسر آناگ که آنان را بسمت دیار روم فرار میدهند. تیرداد پس از بزرگ شدن به کمک رومیان صاحب تاج و تخت پدري شده و گریگور با تحصیل علوم مسیحی در قیصریه تصمیم میگیرد کفاره گناهان پدرش آناگ را بدهد. لذا به خدمت تیرداد در می‌آید.

گریگور شروع به تبلیغ مسیحیت در ارمنستان می‌نماید و بدین علت نیز لئوساوریچ^{۲۳} نامیده شده است. پادشاه تیرداد چون نمیتواند او را از مذهب جدید برگشت دهد پس از مدت‌ها شکنجه وی را در سردابه آرتاشاد زندانی میکند.

در این هنگام راهبه‌های مسیحی تحت تعقیب از غرب به هایک بزرگ آمده در انبارهای تهیه شراب باغستانهای حومه واغار پاشاد، پایتخت ارمنستان پناهنده میشوند. تیرداد اشکانی پادشاه ارمنستان با شنیدن وصف زیبایی هرپسیمه راهبه، تصمیم به ازدواج با وی میگیرد.

راهبه بسیار مؤمن تقاضای پادشاه بت‌پرست را رد میکند. آنگاه راهبه را بزور به قصر میبرند. هرپسیمه با تقویت روحی، در برابر تیرداد شجاع مقاومت کرده از قصر فرار میکند و دگر بار به انبارها پناه میبرد. بدستور پادشاه خشمگین هرپسیمه زیارو و سایر راهبه‌ها بشهادت میرسند.

با این حال، مقاومت و مرگ هرپسیمه تأثیر شدیدی روی تیرداد نهاده بود. پادشاه تلخ کام به شکار می‌رود تا غمهای خسود

۲۳- لوساوریچ (Lusavorich) به معنی روشنگر - م.

راتسکین دهد. ولی دچار حادثه ای شده از گردونه بزمی افتد و به شکل
خوگ درمی آید!

تنها کسی که قادر به معالجه پادشاه خوگ نما میشود، گریگوررها
شده از زندان است. تیرداد به مسیحیت میگردد و گریگور را رئیس
کاهنان ارمنستان می نماید.

تاریخ آگاتانگوس با منظور خاصی نوشته شده است. این
کتاب اولین اثر مهم ادبی مبین تمایلات طبقه کلیسائی ارمنی است که
بعنوان سلاحی عقیدتی علیه نفوذ بیگانه، دردست کلیسای ارمنی وجود
داشت و استقلال کلیسائی ارمنی را از کلیسای یونانی و آشوری مورد
تأکید قرار میداد، م. آبیان مینویسد: «تمام مطالب این کتاب اساساً
به همین منظور و هدف منتهی میشود. حتی اینکه تصویر و خطوط
تمایز تیرداد پادشاه نیرومند در آن به نحوی روشن ترسیم شده است،
آنها در خدمت همان هدف و در مدح کلیساست»^۵.

تاریخ آگاتانگوس برای شناخت آئین بت پرستی در میان
ارمنه، مبنی مهم محسوب میشود.

در اینجا چگونگی سیاحت گریگور نوساوریچ رئیس کاهنان
ارمنی در نواحی ارمنستان و ویرانی محراب معابد بت پرستی و تبدیل
آنها به معابد مسیحی تشریح میشود.

پس از اشاعه حکمت مسیحی در سراسر کشور، گریگور به کوه
مانیا واقع در ولایت دارانغی رفته و به کنج عزلت پناه میبرد و در
همان دوران تیرداد پادشاه ارمنستان آماده حرکت برای ملاقات با
کنستانتین قیصر روم میشود و گریگور روشنگر نیز به همراه پادشاه و

* م. آبیان، آثار جلد سوم ایروان ۱۹۶۸ ص ۱۸۷

هیئت اعزامی رهسپار روم میشود. اما پس از بازگشت تا آخر عمر به
گوشه نشستی خود ادامه میدهد.

متن تمام این مطالب که بدست ما رسیده است بجز از پیشگفتار
به پنج بخش تقسیم میشود:

۱- خسرو و تیرداد ۲- تذکره گریگور ۳- تذکره هرپسیمه
۴- وعظ و رؤیای گریگور ۵- گرایش سرزمین ارمن.

تاریخ آگاتانگوس با استفاده از مطالب منابع گوناگون
نگارش یافته است. حکمت گریگور که تخیلی مختص به خود متن
کتاب مقدس است مکان ویژه ای را بخود اختصاص میدهد. مطالب
واقعی - تاریخی و افسانه ای در این کتاب درهم آمیخته است. تاریخ
گرایش ارمنیان به مسیحیت در آن دارای ارزش تاریخی عظیمی است.
در اینجا اطلاعات ارزشمندی راجع به اساطیر باستانی ارمنی، خاندانهای
ناخارار، جغرافیای ارمنستان و غیره وجود دارد.

این کتاب دارای ارزش ادبی نیز هست. تشریح شخصیتهای
خسرو و بویژه تیرداد اشکائی بسیار بلیغ بوده دارای جزئیات غنی
رمان نویسی است. در اینجا مؤلف متذکر میشود که از روایات تاریخی
و رمانها استفاده کرده است.

«اما پادشاه تیرداد در سرتاسر دوران پادشاهی خود ویران میکرد
و سرزمین پارس و آشور را تخریب مینمود و ضربات شدیدی وارد
میکرد. بدین دلیل بود که این سخنان و روایات بحق گفتند که «تیرداد
مغرور با جسارت خود تل ورود را ویران کرد و با گستاخی خود
دریاها را خشک نمود» برآستی که او مغرور بود و پراز نیرو و ثروت،
و دارای استخوانهای محکم و استوار و اندامی قوی، شجاع و مبارزی

ژبان بود با قامتی بلند و چهار شانه . او در تمام سالهای زندگیش جنگیده و در نبردها پیروز شده بود. در شجاعت و دلیری سرفراز گردید و فتوحات و پیروزیهای عظیمی در سرتاسر کشور نصیب او شد و در دیار آشور غنائیم کلانی بچنگ آورده آنها را بسی امان چپاول کرد. لشکر ایران را از دم شمشیر گذراند و نابود کرد و غنائیم هنگفتی بدست آورد، سواره نظام یونان را رهبری نمود و لشکرهای دشمنان را بدست آنها داد، از هونها سپاهیان بسیاری گرفت و نواحی ایران را به تصرف خود در آورد»^{۲۴۵۵}.

رؤیای شبانه گریگور نمونه بسیار زیبایی از قطعه‌های هنری است که در مورد احداث معابد جدید بر او نازل میشود. که قسمتی از آن را باز گو میکنیم:

«و من با نگاهی استوار آسمان مفتوح را دیدم که آبهای روی آن نیز شکافته شده همانند دره‌ها و قله کوه‌ها این سو و آنسو تقسیم گشتند بسیار بیشتر از آنچه که چشم انسان میتواندست ببیند انباشته شده

۲۴- در مورد تبدیل هیئت افسانه‌ای تیرداد به شکل خوک، باید گفت که ستمهایی که وی بر مسیحیان وارد ساخته بود باعث شد مردمی که به مسیحیت ایمان آورده بودند به مرور زمان شخصیت غیر انسانی و درمنشانه به او بدهند و بدین وسیله ظلمهای او را نمایان سازند. اما در مورد ویرانی‌ها و تاخت و تازهای که تیرداد در ایران انجام داده باید گفت که اینها اصولاً انعکاس لشکرکشی‌هایی است که تیرداد به همراهی متحدش قیصر دیوکلتیان و فرمانده سپاه روم گالریوس به ایران انجام میداد و آگاتانگفوس در شرح این حوادث بطور یکجانبه همه آنان را به تیرداد نسبت داده و در بیان ایشان تا اندازه زیادی اغراق نموده است. در هر صورت اگرچه تیرداد به کمک رومیان تخت و تاج ارمنستان را تصاحب کرد لیکن فرمانبردار بلامنازع آنان نگردید و کوشید با همسایگانش ایران، روم، گرجستان، آلبانیا و... مناسبات دوستانه داشته باشد و دلیل این مدعا ازدواج او با آسخن دختر پادشاه آلانیان (در ماوراء قفقاز) است - م.

«تاریخ ارمنیان آگاتانگ» قطعه ۱۲۳

بود. اما نوری از بالا به پایین تازمین می‌تابید و سپاهی بیکران چون پرتو در دو جبهه با ظاهر انسانی و جناحینش چون آتش، در نور دیده میشد. شبیه ذرات ریزی که در هنگام باران پرتو سوزان آفتاب از پنجره‌ها و سوراخهای بام به چشم میخورد به همان ترتیب سپاه نورانی سرتاسر کشور را روشن کرد و نور سرازیر به همسراه سپاه استوار گردید».

مباحثات، تصاویر و تشریحات فصیح و بلیغ، زبان، بیان و روایات داستانی ارزش ویژه هنری به این کتاب تاریخی می‌بخشد.

بررسی علمی بروی تاریخ آگاتانگفوس از سده هجدهم آغاز گشت وقتی که ترجمه یونانی و ویرایش لاتین آن انتشار یافت.

اولین انتشار حاوی نقد متن ارمنی (و نیز ۱۸۳۵) همچنین نفوذ فکر انتقادی در ارمنی شناسی، اساسی برای پیدایی و ظهور آثار و مطالعات جدیدی در باب تاریخ گشت.

مؤلف نسخه اصلی و عصر او، همچنین روابط متقابل آن با ترجمه یونانی و زبانهای دیگر مسایل مربوط به متن اصلی بخشهای گوناگون متن تاریخ (مقدمه و غیره) و منابع، مسایل مربوط به روابط متقابل آگاتانگفوس، کوریون و سایر مؤلفان مهمترین نکات مورد بحث مربوط به تاریخ در سده اخیر بوده است. و در تمام این مسایل نوشته‌های ارزشمندی توسط و. لانگلو، آ. گودشمیت، ه. تاشیان، ب. سارگسیان، ک. در مگردیچیان، نورایر بیوزانداتی و بسیاری دیگر به رشته تحریر درآمده است که بطور کلی نتیجه گیری آنها بدین شرح است:

در اواسط سده پنجم با استفاده از منابع مختلف موجود از

سده چهارم به بعد کتاب گریگوریس بدست يك مؤلف ارمنی نوشته شده است که آنرا غازار پاربی و دیگران خوانده و تشریح کرده‌اند. بنظر میرسد که تاریخ آگاتانگفوس بغیر از منابع ارمنی دارای منابعی نیز به زبان یونانی بوده باشد.

در کار ترویج و گسترش تاریخ آگاتانگفوس، ترجمه یونانی آن اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است زیرا چنانکه بطور قطع روشن شده است، گویا کلیه چاپهای آن بزبان‌های دیگر توسط ویرایش یونانی آن صورت گرفته است.

در سده دهم سیمئون متاپراستس خلاصه‌ای از کتاب آگاتانگفوس را در اثر یونانی «تذکره قدیسین» گنجانده است. ویرایش یونانی آگاتانگفوس و نمونه تخلص شده متاپراستس در دنیای مسیحی سده‌های میانه نشرو گسترش یافته بود. ویرایش خلاصه لاتین از روی نمونه یونانی انجام گرفته است. ترجمه‌های گرجی و اسلاو نیز از روی نمونه متاپراستس انجام شده و يك قطعه گرجی نیز وجود دارد که مستقیماً از متن ارمنی ترجمه شده است.

لیکن ویرایش یونانی بیشتر از نسخ دیگر، ترجمه‌های عربی داشته و يك نمونه ترجمه کامل که اخیراً پیدا شده است از جمله آنهاست. در اینجا قطعه مربوط به شورش اردشیر که فقط در نمونه یونانی موجود است یافت نمیشود. این مطالب نه تنها اثبات میکند که نمونه عربی آگاتانگفوس ترجمه يك نسخه قدیمی یونانی است بلکه كمك میکند تا یکبار دیگر تأکید شود که متن یونانی قبلاً شامل این قطعه نبوده است.

اگر ترجمه‌های عربی کتاب از طریق ترجمه یونانی با آگاتانگفوس

ارمنی مربوط باشد (شاید هم از طریق ترجمه قبلی که بدست مانرسیده) به نوبه خود اساسی برای ترجمه اتیوپیائی (حبشی) نیز بوده است. در اوایل این قرن بر اساس نسخه سده پانزدهم، خلاصه آگاتانگفوس بزبان حبشی در لیسبون منتشر شد.

بدین ترتیب متن ارمنی و ترجمه‌ها و تخلص‌هایی که از کتاب آگاتانگفوس بدست مانرسیده است میتوان بترتیب ذیل طبقه‌بندی نمود:
۱- متن ارمنی که در دست است، در نیمه‌های سده پنجم نوشته شده است.

۲- ترجمه یونانی آگاتانگفوس تقریباً در آخر سده ششم انجام گرفته، که بخش شورش اردشیر بعدها به آن ضمیمه گردیده. سیمئون متاپراستس تمام اینها را در سده دهم در ویرایش خلاصه خود تخلص نمود که به زبانهای گرجی و اسلاو برگردانده شده است. ترجمه خلاصه لاتین نیز از روی ترجمه یونانی آگاتانگفوس انجام شده است.

۳- این کتاب تقریباً در سده‌های ۹-۱۰ از یونانی به عربی ترجمه شده است. ویرایش تخلص شده اتیوپیائی (حبشی) گرایش و ارتباطات نزدیکی با نسخه اخیر دارد.

تمامی این ویرایشها و نمونه‌های مفصل یا خلاصه يك گروه مختص بخود از متن آگاتانگفوس را که تا کنون بر ما شناخته نشده‌اند تشکیل میدهند، اساس آن متن ارمنی کتاب است. گروه دیگری از نسخ نیز وجود دارد که متن ارمنی آن هنوز پیدا نشده است. این گروه در پژوهش‌های ادبی تحت عنوان «تذکره» قرار دارد.

کشف و بررسی نمونه عربی (تذکره عربی) در بین متون خطی

که بدست ن. هار انجام گرفت روشن ساخت که نمونه عربی باید از یونانی ترجمه شده باشد که این نیز به نوبه خود دارای متن اصلی به زبان ارمنی بوده است. بدین ترتیب در سده پنجم دو نسخه ارمنی از آگاتا نگغوس موجود بوده است.

این نسخه‌ها از طرف دو جریان کلیسای ارمنی ارائه شده است. اگر آگاتا نگغوس ارمنی آشنا برمان نمونه ارائه شده از جانب نمایندگان جریان یونان دوستان یا غربی (خاندان روشنگر) باشد، پس تذکره مقدم بر آن، نمونه ارائه شده توسط جریان اهل کلیسای آشوری دوست (جنوبی) محسوب خواهد شد که در اثر مرور زمان به فراموشی سپرده شده بجای آن فقط يك ویرایش از آن عملاً باقی مانده است.

لیکن تأکید این مطالب ضرورت دارد که هر دو گروه نمونه‌های آگاتا نگغوس بزبانهای گوناگون اساساً يك موضوع را مورد بحث قرار میدهد، و آن تاریخ ارمنستان در سده سوم و اوایل سده چهارم است.

حدود ۳۰ نسخه دست‌نویس از تاریخ ارمنستان آگاتا نگغوس به دوران ما رسیده است که بیشتر از ۲۰ نسخه آن در ماتناداران ماشتوتس^{۲۵} ایروان محفوظ است. کهن‌ترین نمونه دست‌نویس آشنا

۲۵- ماتناداران (matenadaran) کتابخانه و یا موزه متون کهن در ارمنستان می‌باشد و فعلاً در حدود ۲۰ هزار قطعه متن قدیمی در آن نگهداری میشود و یکی از مراکز مهم برای پژوهش در زمینه‌های گوناگون تاریخ باستانی ارمنستان و کشورهای همسایه محسوب میشود و تعداد متون آن با دریافت نسخه‌های نویافته به مرور زمان افزایش می‌یابد - م.

برما المثنای ماتناداران مختاریان^{۲۶} وین^{۲۷} است که بنا به نظر تاشیان باید نمونه دست‌نویس مربوط به سده نهم باشد. این نمونه که بفرم یرکاتاگیر^{۲۷} نوشته شده است، دارای قطعه‌هایی از مقدمه و اصول حکمت است لیکن فاقد قسمت تاریخی آخر (تغییر مذهب ارمنیان) است.

چندین نسخه دست‌نویس مربوط به سده سیزدهم نیز در ماتناداران ماشتوتس وجود دارد. متن خطی پاریس مربوط به سال ۱۲۵۴ دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است.

نخستین نشر کتاب آگاتا نگغوس بسال ۱۷۵۹ در قسطنطنیه صورت پذیرفت و چاپ دوم این کتاب بر اساس چاپ اول و يك نسخه دست‌نویس فاقد تاریخ نگارش و بازهم در قسطنطنیه انتشار یافت. چاپ سال ۱۶۳۵ در وین اولین نمونه‌ای است که پس از تطبیق با چندین نسخه دست‌نویس بطبع رسیده است، چاپ‌های بعدی کتاب آگاتا نگغوس (وینز و تفلیس) نیز از روی این نسخه چاپی صورت پذیرفته است. متن انتقادی کتاب آگاتا نگغوس بسال ۱۹۰۹ انتشار یافت که توسط گک. درمگر دیچیان و س. کانیانتس تهیه شده بود. ۱۲ نسخه کامل

۲۶- مختاریان، افراد جماعت کاتولیک هستند. این جماعت بسال ۱۷۰۱ میلادی توسط راهبی بنام مختیار سیاستی (۱۶۷۶-۱۷۴۹) در قسطنطنیه (استامبول) بنیان‌گذاری شد و در سال ۱۷۰۳ مقر آن به مدون در موریا برده شد و در ۱۷۱۵ مختیار راهی وینز گردیده دو سال بعد جمهوری وینز جزیره سنت لازار را بوی بخشید که تا امروز نیز در اینجا فعالیت میکنند، برای خود دارای کتابخانه متون قدیمی، فرهنگستان، چاپخانه کلیسا و سایر تسهیلات هستند. شاخه‌ای از این جماعت در وین پایتخت اطرایش فعالیت میکند - م.

۲۷- یرکاتاگیر (Yerkatagir=uncial) حروف نسبتاً گرد درشت که در قدیم به آن می‌نوشتند و شبیه حروف چاپی امروزی است - م.
* «هوشاردزان»، مجموعه ادبی، وین ۱۹۱۱ ص ۶۷-۱۶۰

مرور زمان در کتابخانه‌های کتب و متون قدیمی و دستنویس موجود در جهان کشف و پیدا میشود در این زمینه سخنان و نظریه‌های جدیدی میتوان ارائه داد.

دستنویس موجود در ماتناداران و اغارشاباد و قطعه‌های متعدد نطق‌ها و مجموعه‌های برگزیده و يك متن کامل و جامع بدست آمده است که قدمی است بس بزرگ در زبان‌شناسی متن اولیه کتاب آگاتانگفوس. متاسفانه ناشران به متون دستنویس واقع در سایر مناطق و بخصوص نسخه وین دسترسی نداشته‌اند. نسخه اخیر دو سال بعد به اهتمام ه. هک. گالمکیاریان انتشار یافت و امکان جبران کمبودها را فراهم نمود.

بغیر از ترجمه‌های که در سده‌های میانه صورت گرفت، تاریخ آگاتانگفوس در سده پیشین از متن گرابار به ایتالیائی و فرانسه نیز برگردانده شده است. ترجمه ایتالیائی منهای بخش حکمت‌راپدران روحانی مختیار است و نیز انجام داده‌اند. ترجمه فرانسه توسط ولانگلو و بازم به کمک مختیار سیت‌های و نیز انجام گرفته است. لیکن چنانکه در مقدمه یادآوری شده است، در آن نه تنها بخش حکمت برگردانده نشده بلکه بسیاری قطعات تاریخ با محتوای مذهبی نیز خلاصه شده است. زبان متن ارمنی کتاب آگاتانگفوس (بطور کلی) گرابار کلاسیک یا زبان عصر طلائی است، یعنی به آن دسته از کتب مربوط میشود که تا سال ۴۶۰ نوشته شده است.

تاریخ آگاتانگفوس اولین کتاب از رشته طویل کتب است (آگاتانگفوس - پاستوس بوزاند - یغیشه - غازار پاربی - سیئوس - غوند و غیره) که هر يك از تاریخ‌نویسان از آنجا شروع میکنند که مورخ قبلی خاتمه داده است.

بررسی و تحقیق در مورد «تاریخ ارمنیان» آگاتانگفوس هنوز به پایان نرسیده است. بر اساس نسخه‌های جدیدی که بزبانهای متعدد به

دیگر نامه‌های بنیاد نیشابور

- ۱- زندگی و مهاجرت نژاد آریا ، براساس روایات ایرانی
- ۲- زروان ، سنجش زمان در ایران باستان ، گاهشهای و جشن‌های ارمنستان باستان، کردستان دیلمان و گیلان ، یزد و کرمان، لرستان و جهان باستان
- ۳- نامه پهلوانی خودآموز خط و زبان ایران پیش از اسلام (پهلوی اشکانی و ساسانی)
- ۴- کارنامه ابن سینا بمناسبت آغاز هزاره دوم زندگی بوعلی
- ۵- کردی بیاموزیم

زیر چاپ

- ۱- ارمنی بیاموزیم
- ۲- دفتر دوم نامداران فرهنگ ارمنی
- ۳- معماری ایران و بحران انرژی سال ۲۰۰۰
- ۴- ضرب‌المثل‌های لری

خواهشمند است این نادرستی‌ها را از دفتر بپیرائید :

صفحه	سطر	درست
۷	۱۷	زمان اشکانیان
۷	۲۱	حکومت مرکزی ساسانی
۹	۶	انتشار
۱۲	۹	توسط ن . تاهمیزیان